



## Strategic Deviance Impact on Auditor Quality and Its Consequences in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

**Mandana Taheri** \* 

\*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: mandanataheri@atu.ac.ir

**Sina Ghobadi Aski** 

MSc., Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: khalil\_ghobadi@atu.ac.ir

### Abstract

**Objective:** In the competitive business landscape, companies seek a distinctive competitive edge by diverging from conventional industry strategies and embracing alternative methods that prove more advantageous. This departure from traditional approaches is termed strategic deviation in accounting literature. According to this, our study aimed to investigate the relationship between strategic deviation and audit quality. In addition, the consequences of choosing high-quality auditors in firms with strategic deviation were investigated, too. In this research, the consequences of choosing high-quality auditors include investigating its effect on earning management, accumulation of capital in the hands of the institutional investors, cost of capital, and market value of listed firms.

**Methods:** The research methodology is characterized as descriptive and correlational, with a practical orientation in terms of its purpose. To test the hypotheses, the regression model was used. Based on this, the financial statements of listed firms for a 9-year period from 2012 to 2019 were examined. In this research, the statistical sample was selected by the systematic elimination method. According to this, 134 firms were selected based on the consolidated/combined data of the test and statistical analysis. For this purpose, five regression models were defined.

**Results:** Firms with high levels of strategic deviance were chosen quality auditors due to controlling the high level of agency conflict. This showed that firms with high levels of strategic deviation have most likely selected quality auditors. Therefore, based on agency theory, it seems that the high level of information asymmetry in firms with high levels of strategic deviation led firms to choose and employ quality auditors. In addition, in firms with strategic deviation, the selection of quality auditors has led to the reduction of the

capital cost and the market value. Employing and selecting quality auditors was not found to be effective in limiting capital accumulation in the hands of major shareholders and earning management, especially in firms with high levels of strategic deviation, but audit quality was proved to be effective in explaining the status of firms' earning management.

**Conclusion:** Firms with high levels of strategic deviation chose quality auditors due to the high level of agency conflict and reducing the firms' capital costs. In addition, the selection of quality auditors led to a decrease in the market value of the firms. In other words, shareholders are also aware of the effect of strategic deviation of firms in competitive conditions and the possibility of more restrictions in such firms by highly qualified auditors. Also, in firms with strategic deviation, the selection of quality auditors led to limiting the amount of earning management, and the selection of quality auditors led to the reduction of the company's capital cost. In other words, auditor quality, along with strategic deviation, has been an effective factor in reducing a firm's capital costs.

**Keywords:** Auditor selection, Auditor quality, Agency cost, Strategic deviance.

**Citation:** Taheri, Mandana & Ghobadi Aski, Sina (2023). Strategic Deviance Impact on Auditor Quality and Its Consequences in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 30(3), 506-531. (in Persian)

---

Accounting and Auditing Review, 2023, Vol. 30, No.3, pp. 506-531  
Published by University of Tehran, Faculty of Management  
<https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2023.347559.1008715>  
Article Type: Research Paper  
© Authors

Received: September 20, 2022  
Received in revised form: July 04, 2023  
Accepted: August 16, 2023  
Published online: October 22, 2023



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## تأثیر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بر کیفیت حسابداری و

### پیامدهای متعاقب آن

ماندانا طاهری \*

\* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: mandanataheri@atu.ac.ir

سینا قبادی اسکی

کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: khalil\_ghobadi@atu.ac.ir

### چکیده

**هدف:** در فضای رقابتی کسب‌وکار، برخی از شرکت‌ها برای کسب مزیت رقابتی متمایز از سایر رقبا، ممکن است از استراتژی متعارف و سنتی حاکم در صنعت منحرف شوند و روش نوینی را در پیش گیرند که برای آن‌ها سودمندی بیشتری دارد. این رویداد در ادبیات مالی و حسابداری تحت عنوان انحراف استراتژیک شناخته می‌شود. هدف این پژوهش بررسی تأثیر انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابداری و همچنین، پیامدهای انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، در سطح کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش، پیامدهای به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا، شامل بررسی اثر آن بر مدیریت سود، تجمع (انباشت) سرمایه در دست سهام‌داران اصلی و عمده، هزینه سرمایه و ارزش بازار شرکت‌های بورسی است.

**روش:** روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع هم‌بستگی و از لحاظ هدف، کاربردی است. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون، استفاده شد. بر این اساس، صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی برای یک دوره ۹ ساله، از ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش انتخاب نمونه آماری، به‌روش حذف سیستماتیک صورت گرفت. بر این اساس، به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، ۱۳۴ شرکت انتخاب و بر اساس داده‌های تلفیقی / ترکیبی آزمون و تحلیل‌های آماری انجام شد. برای این منظور پنج مدل رگرسیونی تعریف شد.

**یافته‌ها:** انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابداری شرکت، تأثیر مستقیم دارد. به‌عبارتی، شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، به احتمال زیاد به انتخاب حسابرسان با کیفیت تمایل دارند. این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، به احتمال زیادی به انتخاب حسابرسان با کیفیت اقدام کرده‌اند. از این رو، بر اساس نظریه نمایندگی، به نظر می‌رسد که بالا بودن میزان عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، شرکت‌ها را به سمت انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت سوق داده است. از سوی دیگر، در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، انتخاب حسابرسان با کیفیت، به کاهش هزینه سرمایه شرکت و ارزش بازار منجر شده است. به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان با کیفیت، در محدود کردن تجمع سرمایه در دست سهام‌داران عمده و مدیریت سود، به‌ویژه در شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، مؤثر نبوده است.

**نتیجه‌گیری:** شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، به دلیل میزان بالای تعارض نمایندگی و کاهش هزینه سرمایه شرکت، به انتخاب حسابرسان با کیفیت اقدام کرده‌اند. علاوه بر آن، انتخاب حسابرسان با کیفیت، به کاهش ارزش بازار شرکت منجر شده است. به عبارتی، سهام‌داران نسبت به درک اثر انحراف استراتژیک شرکت‌ها در شرایط رقابتی و احتمال وجود محدودیت بیشتر در چنین شرکت‌هایی از طرف حسابرسان با کیفیت، آگاهند. همچنین، در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، انتخاب حسابرسان با کیفیت، به محدود شدن میزان مدیریت سود و نیز، کاهش هزینه سرمایه شرکت منجر شده است. به بیان دیگر، کیفیت حسابرس در کنار انحراف استراتژیک، عاملی مؤثر در کاهش هزینه سرمایه شرکت‌ها بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** انحراف استراتژیک، انتخاب حسابرسان، کیفیت حسابرس، هزینه‌های نمایندگی.

**استناد:** طاهری، ماندانا و قبادی اسکی، سینا (۱۴۰۲). تأثیر انحراف استراتژیک شرکت از صنعت بر کیفیت حسابرسی و پیامدهای متعاقب آن. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰(۳)، ۵۰۶-۵۳۱.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2023.347559.1008715>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۲، دوره ۳۰، شماره ۳، صص. ۵۰۶-۵۳۱

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان



## مقدمه

استراتژی، جهت‌گیری کلی حرکت سازمان، از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب، در سطح ذهنی و مفهومی، است. در راستای یکپارچگی و تمرکز در صنعت، اغلب شرکت‌ها، استراتژی مشابه و متداول در صنعت (روند متمرکز در صنعت) را دنبال می‌کنند، اما در محیط رقابتی امروز و با تمرکز بر پیچیدگی‌های کسب و کار، بسیاری از شرکت‌ها مجبور به تغییر استراتژی‌های متعارف و سنتی خود هستند تا بتوانند دوام آورده و در اثر استفاده از استراتژی‌های عقب‌مانده، از بین نروند. بر این اساس، شرکت‌های زیادی ممکن است از روند حاکم در صنعت منحرف شده باشند. انحراف استراتژیک در شرکت‌ها به این مسئله اشاره دارد که استراتژی شرکت در فرایند یکپارچگی سازمانی از روند صنعت منحرف شده است. بسیاری از شرکت‌ها از روند اصلی صنعت خود جدا نیستند، این در حالی است که برخی از شرکت‌ها از این روند اصلی در فرایند ادغام صنعتی منحرف شده‌اند. این مقوله انحراف از روند اصلی صنعت را انحراف استراتژیک می‌نامند. به هر حال، فرایند جست‌وجوی شرکت‌ها برای انتخاب و پیگیری یک استراتژی متمایز، به ناچار پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؛ از یک سو، انحراف استراتژیک ممکن است مزیت رقابتی برای شرکت‌ها به همراه داشته باشد (تانگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱) و از سوی دیگر، شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، به دلیل نداشتن تجربه برای استفاده از استراتژی جدید و منحصر به فرد، ممکن است در طول اجرای استراتژی، با بسیاری از مشکلات غیرقابل پیش‌بینی مواجه شوند. به عبارتی، برخی از مدیران، به ویژه مدیران بلندپرواز، ممکن است به منظور دستیابی به عملکرد بهتر، استراتژی‌هایی را انتخاب و تدوین نمایند که منطبق و در راستای جهت‌گیری‌های عرف صنعت نبوده و این امر به نوبه خود ممکن است منجر به بردهای بزرگ‌تر و یا زیان‌های فاجعه‌بار گردد. بنابراین، مدیران در شرکت‌های دارای استراتژی‌های انحرافی، فی‌البداهه از اختیارات و انتخاب‌های زیادی برخوردار خواهند بود و این امر منجر به تشدید تعارض نمایندگی می‌شود و در چنین شرایطی انتخاب حسابرسان با کیفیت منجر به مدیریت و کنترل هزینه‌های نمایندگی خواهد شد (دونگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱؛ فنگ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

بر اساس نظریه نمایندگی، شرکت‌ها با تعارضات و تضادهای جدی نمایندگی، از انگیزه قوی برای معرفی سازوکارهای نظارتی و کنترل درون سازمانی از قبیل به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان مستقل با کیفیت برای کاهش تعارضات نمایندگی برخوردار هستند. علاوه بر آن، شواهد تجربی فراوانی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌ها برای کاهش تعارضات نمایندگی، به‌ویژه در زمان تشدید این تعارضات، به احتمال زیاد، اقدام به انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا می‌کنند و از آنجایی که انحراف استراتژیک، عدم تقارن اطلاعاتی بین ذی‌نفعان داخلی و خارجی یک شرکت را تشدید می‌کند، انتظار می‌رود شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک (به دلیل تعارضات نمایندگی بالا در این قبیل شرکت‌ها)، به احتمال زیاد، اقدام به انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا نمایند. با این حال، تانگ و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند در بازارهای سرمایه ناکارا، در برخی موارد، به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا یک ابزار نظارتی مؤثر نیست، زیرا در چنین بازارهایی، شرکت‌ها ممکن است برای فریب سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان، اقدام

1. Tang et al.
2. Dong et al.
3. Fang et al.

به خرید خدمات حسابرسی با کیفیت بالا و اظهارنظر مطلوب حسابرسان کنند. در مجموع، عملکرد شرکت‌های با انحراف استراتژیک نامشخص است و هر چه عدم اطمینان بیشتر باشد، قضاوت دقیق در رابطه با عملکرد حال و آینده شرکت، برای افراد برون‌سازمانی دشوارتر است. علاوه بر آن، انحراف استراتژیک ممکن است عدم‌تقارن اطلاعاتی بین افراد درون‌سازمانی و افراد برون‌سازمانی را تشدید نماید که برای کنترل این شرایط انتخاب حسابرسان با کیفیت و انجام حسابرسی با کیفیت، برای مدیران ضروری خواهد بود.

در نهایت، انحراف استراتژیک، ریسک تجاری شرکت‌ها را تشدید و منجر به افزایش عدم اطمینان در عملکرد آن‌ها می‌شود (وانگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). در نتیجه، شرکت‌های با انحراف استراتژیک، ممکن است انگیزه‌هایی برای مدیریت سود داشته باشند (یه و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). به عبارتی، با توجه به انگیزه‌های متفاوت شرکت‌های دارای استراتژی غیرمعمول برای به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا، از قبیل انگیزه نظارت یا تبانی<sup>۳</sup>، پیامدهای انحراف استراتژیک متفاوت خواهد بود؛ اگر هدف از به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا، انگیزه نظارت باشد، آنگاه به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا می‌تواند مدیریت سود را در شرکت‌های دارای استراتژی غیرمعمول کاهش دهد، تجمع (انباشت) سرمایه در دست سهام‌داران اصلی و عمده این قبیل شرکت‌ها را محدود کند، هزینه سرمایه آنان را کاهش دهد (غول و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶، وانگ و همکاران، ۲۰۱۷ و دونگ و همکاران، ۲۰۲۱) و یا ارزش بازار آن‌ها را افزایش دهد (دونگ و همکاران، ۲۰۲۱) که بررسی این پیامدهای از اهداف انجام این پژوهش است.

اگر شرکتی از استراتژی حاکم بر صنعت منحرف شود، می‌تواند متحمل ریسک بیشتری در مقایسه با رقیب گردد که در این صورت، ممکن است مدیر چنین شرکتی برای جبران ریسک و هزینه‌های احتمالی، اقدامات و تصمیماتی خلاف خواسته سهام‌داران (افزایش سود و ارزش شرکت) انجام دهند که این مسئله باعث تشدید هزینه‌های نمایندگی می‌شود و برای کاهش آن، بر اساس ادبیات حسابرسی، حسابرسی و انتخاب حسابرسان بزرگ می‌تواند یک راهکار بهینه باشد. بر این اساس، سؤال این پژوهش دقیقاً همین مسئله است که آیا انحراف استراتژیک بر انتخاب حسابرسان با کیفیت اثرگذار است؟ بر اساس نتایج این پژوهش در بازار سرمایه ایران، انحراف استراتژیک منجر به انتخاب حسابرس با کیفیت شده است و شرکت‌هایی که انحراف استراتژیک بالاتری داشته‌اند، تمایل به انتخاب حسابرسان با کیفیت داشته‌اند. بر این اساس، با توجه به آنکه انجام حسابرسی در بازار سرمایه ایران اقدامی الزامی و مطابق با مقررات بازار سرمایه است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر الزامات قانونی در شرکت‌ها با انحراف استراتژیک، برای انجام حسابرسی با کیفیت تمایل وجود دارد و این مسئله تأییدی بر اثر حسابرسی بر کنترل مسئله نمایندگی در بازار سرمایه ایران است. از سوی دیگر، انحراف استراتژیک و تصمیمات مدیران در چنین شرکت‌هایی دارای پیامدهای مختلفی است. در این مقاله چهار پیامد شامل احتمال مدیریت سود جهت کنترل اثرات نامطلوب انحراف استراتژیک بر سود شرکت، تجمیع سرمایه در دست سهام‌داران عمده به واسطه تغییر استراتژیک و نیاز شرکت برای تأمین مالی و افزایش سرمایه که

1. Wang et al.
2. Ye et al.
3. Supervision or Collusion
4. Ghoul et al.

می‌تواند توسط سهام‌داران عمده به دلیل مطلع و آگاه بودن از تغییرات استراتژیک شرکت رخ دهد و در نهایت، افزایش هزینه سرمایه و ارزش بازار شرکت که می‌تواند به ترتیب، اثرات نامطلوب و مطلوب انحراف استراتژیک شرکت باشد، نیز بررسی شد و نقش حسابرسان با کیفیت در تعدیل این روابط بررسی و تبیین شد. با توجه به نتایج این پژوهش، در بازار سرمایه ایران انتخاب حسابرسان با کیفیت در کنترل و کاهش هزینه سرمایه شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک از صنعت مؤثر بود و هزینه سرمایه این شرکت‌ها کاهش یافت، اما بر خلاف آنچه که در ادبیات وجود دارد، در بازار سرمایه ایران، انتخاب حسابرسان با کیفیت منجر به تشدید رابطه بین انحراف استراتژیک و ارزش بازار در جهت مثبت نگردید. در تحلیل این مسئله برای بازار سرمایه ایران که حسابرسی یک الزام قانونی است، دو تحلیل متفاوت می‌توان ارائه نمود. در وهله اول سهام‌داران بر گزارش حسابرسان در تصمیمات خود اتکا دارند و انتخاب حسابرسان با کیفیت به منزله سخت‌گیری بیشتر و احتمالاً تعدیل نظر حسابرسان است، که بر ارزش بازار شرکت اثر خود را خواهد گذاشت. در این صورت، انجام حسابرسی در بازار ارزشمند است و بر تصمیمات سهام‌داران به عنوان استفاده‌کننده اطلاعات مؤثر واقع شده است. بنابراین، گزارش حسابرسان یک کالای با اهمیت اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران است. در تحلیل دوم، انتخاب حسابرسان با کیفیت منجر به افزایش هزینه‌ها می‌شود و در بازار پرنوسان سرمایه ایران، گزارش حسابرسان در تصمیمات سهام‌داران مؤثر نیست و آن‌ها تصمیمات خود را بر اساس سایر منابع اطلاعاتی انجام می‌دهند. به عبارتی، آن‌ها قرار نیست به نظرات حسابرسان اتکا نمایند و حسابرسی به عنوان یک الزام قانونی با هزینه گزاف انجام شده است که در نهایت این مسئله نیز باعث کاهش ارزش بازار شرکت شده است.

### مبانی نظری

استراتژی کسب و کار عامل مهمی است که می‌توان از آن برای تقویت و بهبود سازمان استفاده کرد. به بیان دیگر، استراتژی کسب و کار نشان‌دهنده بخش بزرگی از اقتصاد سازمان است که باید به منظور کسب مزیت رقابتی در بازار، متمرکز بر بازاریابی باشد (عبدالویس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). در دنیای امروز، استراتژی باید در راستای افزایش و بهبود توانمندی، رشد و بقای بلندمدت سازمان‌ها و کاهش ریسک عملیاتی آن‌ها باشد. برنامه‌های استراتژیک نیز در جهت انطباق و سازگاری سازمان‌ها با شرایط پیش‌روی آن‌ها، باید بر مبنای سیاست‌ها، اهداف، مأموریت‌ها، اندازه و پویایی سازمان و همچنین، میزان پیچیدگی و ساختار سازمان تعیین گردد (حسنابدی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). بسیاری از شرکت‌ها از روند اصلی صنعت خود در تبیین استراتژی جدا نیستند و این در حالی است که برخی از شرکت‌ها از این روند اصلی در فرایند ادغام صنعتی منحرف شده‌اند. این مقوله انحراف از روند اصلی صنعت را انحراف استراتژیک می‌نامند (دونگ و همکاران، ۲۰۲۱). در یک محیط پایدار اقتصادی، عدم تغییر استراتژی و منحرف نشدن از روند معمول صنعت ممکن است تا حدودی امکان‌پذیر باشد. با این حال، در زمان کنونی با تغییر محیط بیرونی، بسیاری از شرکت‌ها باید مدل سنتی و متعارف استراتژیک را تغییر دهند و امیدوار باشند با بیرون آمدن از استراتژی‌های محافظه‌کارانه و رو به عقب، قادر به



رقابت در محیط رقابتی پیش‌رو باشند (وانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸) و در نتیجه فرایند جست‌وجوی شرکت‌ها برای انتخاب و پیگیری یک استراتژی متمایز، به ناچار پیامدهایی را برای شرکت‌ها به دنبال خواهد داشت.

در شرکت‌ها با انحراف استراتژیک از صنعت، مدیران فی‌البداهه از اختیارات و انتخاب‌های زیادی برخوردار هستند و این امر منجر به تشدید تعارض نمایندگی می‌شود. بر اساس نظریه نمایندگی، شرکت‌ها با تعارضات و تضادهای جدی نمایندگی، از انگیزه قوی برای معرفی مکانیسم‌های نظارتی و کنترل درون سازمانی از قبیل به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان مستقل با کیفیت برای کاهش تعارضات نمایندگی برخوردارند. در رابطه با تأثیر انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی و انتخاب حسابرسان با کیفیت، دو دیدگاه متضاد و متناقض وجود دارد (دونگ و همکاران، ۲۰۲۱). از یک سو، طبق نظریه نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی ناشی از آن عامل مهمی است که شرکت‌ها را به سمت انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان مستقل سوق می‌دهد. مطابق با این نظریه، شواهد تجربی فراوانی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌ها برای کاهش تعارضات نمایندگی، به‌ویژه در زمان تشدید این تعارضات و کنترل عدم تقارن اطلاعاتی، به احتمال زیاد، اقدام به انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا می‌کنند (فنگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). در همین ارتباط، سروش‌یار<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) بیان می‌کند که انحراف استراتژیک شرکت از روال عادی صنعت، می‌تواند اثر ویژگی‌های حسابرس بر کیفیت صورت‌های مالی را تشدید نماید. از سوی دیگر، انحراف استراتژیک، ریسک تجاری شرکت‌ها را تشدید می‌کند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷)، منجر به سقوط قیمت سهام می‌گردد (فن و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲) و همچنین، منجر به افزایش عدم اطمینان در عملکرد آن‌ها می‌شود (تانگ و همکاران، ۲۰۱۱). در نتیجه، شرکت‌ها با انحراف استراتژیک، ممکن است انگیزه‌هایی برای مدیریت سود داشته باشند (یه و همکاران، ۲۰۱۵). به‌عبارتی، با وجود آنکه انتظار می‌رود حسابرسان با کیفیت بالا، اختیارات مدیران برای تحریف صورت‌های مالی را محدود کنند (گوئدهامی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴) و همچنین، با توجه به حق‌الزحمه بالای حسابرسان با کیفیت بالا، مدیران چنین شرکت‌هایی، ممکن است در راستای تحقق اهداف خود از مدیریت سود به‌عنوان ابزاری در کنترل ریسک اقدامات خود (انحراف استراتژیک از صنعت) استفاده نمایند و تمایلی به انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا را نداشته باشند (دونگ و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، مبتنی بر ادبیات پژوهشی در این حوزه، میزان تضاد و تعارض منافع بین مدیران و سهام‌داران در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک بیشتر بوده و این امر ممکن است انگیزه مدیران برای انتخاب حسابرسان با کیفیت را افزایش دهد. به هر حال، انتظار می‌رود انتخاب حسابرسان با کیفیت، به‌ویژه در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، پیامدهایی را به همراه داشته باشد.

یکی از این پیامدها، مدیریت سود در شرکت‌ها با انحراف استراتژیک است. در صورت وجود سطح بالای تضاد منافع بین مدیران و مالکان، مدیران واحد تجاری از انگیزه‌های بیشتر و بالاتری برای دستکاری و مدیریت سود در راستای

1. Wang
2. Fang et al.
3. Soroushyar
4. Fan et al.
5. Guedhami et al.



حداکثر کردن منافع خود و یا شرکت برخوردارند. در این راستا، روسمین و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) بر این باورند که یکی از عوامل فزاینده هزینه‌های نمایندگی، برخی انگیزه‌های مدیریتی از قبیل مدیریت سود بوده و این موضوع نیز خود سبب افزایش احتمال استفاده از حسابرسان باکیفیت می‌شود. از سوی دیگر، با افزایش کیفیت حسابرسی و بالا رفتن شهرت حسابرس، احتمال مدیریت سود و گزارشگری متقلبانه، کاهش و شفافیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. مبتنی بر نتایج پژوهش‌های انجام شده (چن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، روسمین و همکاران (۲۰۱۴)، یه و همکاران (۲۰۱۵)، غول و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱))، اگر هدف از به‌کارگیری و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا در شرکت‌ها با انحراف استراتژیک، انگیزه نظارت باشد، آنگاه به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا می‌تواند مدیریت سود را در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک کاهش دهد.

پیامد دیگر، اثری است که انحراف استراتژیک بر هزینه سرمایه شرکت‌ها دارد. وانگ و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند که شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، از میزان هزینه سرمایه بالاتری برخوردارند و ژانگ و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱) کیفیت حسابرسی را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر هزینه سرمایه در چنین شرکت‌هایی قلمداد می‌کنند. همچنین، هوستون و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) نیز معتقدند که هزینه‌های نمایندگی، یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان هزینه سرمایه در شرکت‌ها است، زیرا با افزایش میزان هزینه‌های نمایندگی در شرکت، سهام‌داران، انتظار بازده بیشتری را از شرکت خواهند داشت. با ایجاد رابطه نمایندگی، هزینه‌های نمایندگی به دلیل تضاد منافع بین طرفین ایجاد می‌گردد که اثر معکوسی بر ارزش شرکت دارد. به‌عبارتی، اگر بازار انتظار وقوع چنین هزینه‌هایی را داشته باشد، ارزش شرکت کاهش خواهد یافت. در این راستا، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی از جمله وجود حسابرسی باکیفیت می‌تواند به کاهش و کنترل هزینه‌های نمایندگی و اثرهای منفی آن بر ارزش شرکت کمک نماید.

در شرکت‌ها با انحراف استراتژیک، حسابرسی با کیفیت بالا در محدود نمودن تجمع سرمایه در دست سهام‌داران عمده و کاهش تضاد نمایندگی کمک می‌کنند که این مسئله پیامد دیگر در این ارتباط است. در این ارتباط، اشبوگ و وارفیلد<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) با انجام پژوهشی در کشور آلمان به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت حسابرسی و پراکندگی مالکیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در این راستا، گوئدهامی و پیتمن<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) با انجام پژوهشی در ۳۱ کشور مختلف، جون لین و لیو<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱) با انجام پژوهش‌هایی در کشور چین، به نتیجه مشابه با نتیجه اشبوگ و وارفیلد دست یافتند. بر این اساس، انتظار می‌رود مؤسسات بزرگ و باکیفیت حسابرسی، تجمع سرمایه در دست سهام‌داران عمده را محدود نمایند. مبتنی بر آنچه که تا کنون بیان شد، انحراف استراتژیک منجر به کاهش مشروعیت شرکت و به‌دنبال آن کاهش اعتماد ذی‌نفعان به شرکت می‌گردد. از این رو، انحراف استراتژیک می‌تواند مانعی برای

1. Rusmin et al.
2. Chen et al.
3. Zhang et al.
4. Houston et al.
5. Ashbaugh & Warfield
6. Guedhami & Pittman
7. Jun, Lin & Lio

جذب منابع مالی خارجی باشد (یوان و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). به بیان دیگر، انتظار می‌رود انحراف استراتژیک، تأثیر منفی بر ارزش و عملکرد شرکت داشته باشد. به هر حال، اگر هدف از به‌کارگیری و انتخاب حساب‌برسان با کیفیت بالا، انگیزه نظارت باشد، آنگاه انتخاب حساب‌برسان با کیفیت بالا می‌تواند ارزش بازار شرکت را افزایش دهد. نتایج پژوهش‌های قبلی از قبیل کیم و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) تأثیر مثبت و معنادار کیفیت حساب‌برس بر ارزش شرکت را نشان داده و این در حالی است که دونگ و همکاران (۲۰۲۱) به این نتیجه رسیدند که ارزش بازار شرکت، مستقل از اثر تعاملی انحراف استراتژیک در انتخاب حساب‌برسان با کیفیت بالا است.

### پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری با محوریت و موضوع استراتژی‌های تجاری (کسب‌وکار) در داخل و خارج از کشور به انجام رسیده که این مقوله را از زوایا و جنبه‌های مختلفی بررسی نموده‌اند، برای نمونه می‌توان به پژوهش‌های خارجی انجام شده توسط وو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در زمینه استراتژی کسب و کار، رقابت بازار و مدیریت سود و وانگ (۲۰۱۸) در زمینه انحراف استراتژیک و محافظه‌کاری حسابداری در کشور چین و پژوهش‌های داخلی به انجام رسیده توسط تنانی و محب‌خواه (۱۳۹۳) در زمینه تأثیر استراتژی تجاری (کسب و کار) بر بازده سهام و کیفیت سود، مشایخی و همکاران (۱۳۹۷) در رابطه با تأثیر استراتژی‌های تجاری صاحبکار بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و تخصص در صنعت شریک حسابرسی اشاره نمود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زمینه پیامدهای استراتژی‌های تجاری (کسب و کار) و به ویژه انحراف استراتژیک، در پژوهش‌های داخلی، عمدتاً به بررسی تأثیر استراتژی کسب و کار بر ویژگی‌های کیفی سود و کیفیت حسابرسی پرداخته شده و در راستای تأثیر انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی و پیامدهای متعاقب آن پژوهشی صورت نگرفته است. از این رو، در پژوهش حاضر، به بررسی یکی از پیامدهای احتمالی انحراف استراتژیک، یعنی انتخاب حساب‌برسان با کیفیت و پیامدهای متعاقب آن پرداخته شده است.

وانگ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر وضعیت استراتژیک شرکتی از منظر انحراف شرکت از استراتژی متعارف صنعت بر میزان محافظه‌کاری حسابداری پرداخت. نتایج نشان داد هر چه تفاوت‌های استراتژیک شرکت با استراتژی‌های مشابه صنعت بیشتر باشد، میزان محافظه‌کاری حسابداری کمتر است.

جینگ و ژیبین<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند که انحراف استراتژیک بر سرزندگی بازار سرمایه داخلی تأثیر می‌گذارد. هر چه انحراف استراتژیک بیشتر باشد، سرزندگی بازار سرمایه داخلی بیشتر خواهد بود. دیگر نتایج بیانگر آن است که بازار سرمایه داخلی می‌تواند محدودیت‌های تأمین مالی برای شرکت‌های با انحراف استراتژیک بالا را کاهش دهد، این در حالی است که عملکرد رفع محدودیت‌های تأمین مالی برای شرکت‌ها با تنوع استراتژیک کم، آشکار نیست. دونگ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که انحراف استراتژیک بر مکانیزم‌های راهبری شرکتی به ویژه بر احتمال انتخاب حساب‌برسان خارجی (مستقل) با کیفیت تأثیرگذار است؛ به طوری که انحراف استراتژیک منجر به

1. Yuan et al.
2. Kim et al.
3. Wu et al.
4. Jing & Zhibin

انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا می‌گردد. دیگر نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، منجر به کاهش هزینه سرمایه شرکت، کاهش مدیریت سود در شرکت و محدود نمودن<sup>۱</sup> تجمع (انباشت) سرمایه در دست سهام‌داران عمده<sup>۲</sup> می‌گردد. این در حالی است که ارزش بازار شرکت، مستقل از اثر تعاملی انحراف استراتژیک در انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا بوده است.

سروش‌یار (۲۰۲۲) در پژوهشی در بازار سرمایه ایران اثر تعدیلی استراتژی‌های کسب و کار بر رابطه بین تخصص حسابرس و دوره تصدی حسابرس بر کیفیت صورت‌های مالی را بررسی نمود. نتایج این بررسی حاکی از اثر دوره تصدی حسابرس بر کیفیت صورت‌های مالی بود که استراتژی‌های کسب و کار شرکت‌ها توان تشدید این رابطه را داشتند و بر افزایش کیفیت صورت‌های مالی مؤثر بودند.

در پژوهش‌های داخلی، تنانی و محب‌خواه (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های تدافعی نسبت به شرکت‌های تهاجمی (پیشگام)، میزان مدیریت سود بیشتر است. محیط اقتصادی نیز بر رابطه بین راهبردهای تجاری و کیفیت سود شرکت تأثیرگذار است.

مرادی و سپهوندی (۱۳۹۴) در پژوهشی بیان کردند که با وجود عملکرد پایدارتر ناشی از به‌کارگیری استراتژی تمایز در مقایسه با استراتژی رهبری هزینه، به‌کارگیری استراتژی تمایز با ریسک بیشتری نیز همراه است.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی بیان کردند که بین تخصص شریک حسابرسی در صنعت و کیفیت حسابرسی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و این ارتباط در شرایطی که استراتژی‌های شرکت صاحبکار انحراف کمتری از متوسط استراتژی‌های صنعت دارد، قوی‌تر است. دیگر نتایج حاکی از تأثیر منفی انحراف استراتژی شرکت صاحبکار بر کیفیت حسابرسی است.

کارگر و زنگنه (۱۳۹۷) نیز به این نتیجه رسیدند که رابطه بین ریسک‌پذیری و ارزش شرکت، مستقیم و معنادار است. همچنین، استراتژی تدافعی کسب و کار بر رابطه بین ریسک‌پذیری و ارزش شرکت تأثیر مستقیم و معنادار دارد. این در حالی است که تأثیر استراتژی تهاجمی بر رابطه بین ریسک‌پذیری و ارزش شرکت معکوس و معنادار است.

### فرضیه‌های پژوهش

بیان شد که پژوهش حاضر به دنبال تعیین یکی از پیامدهای انحراف استراتژیک در شرکت‌های عضو بورس، یعنی انتخاب حسابرسان و پیامدهای متعاقب آن است. بنابراین، این پژوهش بر طبق مبانی نظری و پیشینه تجربی دارای ۵ فرضیه به شرح زیر است:

**فرضیه اول:** انحراف استراتژیک با انتخاب حسابرسان با کیفیت رابطه دارد.

**فرضیه دوم (فرعی اول):** انحراف استراتژیک با میزان مدیریت سود رابطه دارد.

فرضیه دوم (فرعی دوم): کیفیت حسابرسی تأثیر انحراف استراتژیک بر میزان مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

1. Curb

2. Capital occupation of major shareholders

فرضیه سوم (فرعی اول): انحراف استراتژیک با تجمع (انباشت) سرمایه در دست سهام‌داران عمده رابطه دارد.  
فرضیه سوم (فرعی دوم): کیفیت حسابرسی تأثیر انحراف استراتژیک بر تجمع (انباشت) سرمایه در دست سهام‌داران عمده را تعدیل می‌کند.

فرضیه چهارم (فرعی اول): انحراف استراتژیک با هزینه سرمایه شرکت رابطه دارد.  
فرضیه چهارم (فرعی دوم): کیفیت حسابرسی تأثیر انحراف استراتژیک بر هزینه سرمایه شرکت را تعدیل می‌کند.  
فرضیه پنجم (فرعی اول): انحراف استراتژیک با ارزش بازار شرکت رابطه دارد.  
فرضیه پنجم (فرعی دوم): کیفیت حسابرسی تأثیر انحراف استراتژیک بر ارزش بازار شرکت را تعدیل می‌کند.

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع هم‌بستگی و از لحاظ هدف، کاربردی است. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون، استفاده شد. جهت گردآوری داده‌های پژوهش از روش اسنادکاوی به‌منظور تدوین مباحث نظری و برای داده‌ها و اطلاعات مالی از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق سامانه کدال و همچنین بانک‌های اطلاعاتی نظیر ره‌آورد نوین، استفاده شده است. بر این اساس، صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی برای یک دوره ۹ ساله از ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش انتخاب نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک صورت گرفته است. بر این اساس، با در نظر گرفتن معیارهای زیر تعداد ۱۳۴، شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، انتخاب شده‌اند:

- شرکت، جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و شرکت‌های واسطه‌گری مالی به سبب ماهیت خاص فعالیت‌شان نباشد.
  - شرکت، طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی و بیش از ۳ ماه توقف عملیاتی نداشته باشد.
  - اطلاعات مورد نیاز آن برای انجام پژوهش، در دسترس باشد و سال مالی آن‌ها برای پایان اسفندماه باشد.
- پس از استخراج اطلاعات مورد نیاز و جمع‌بندی داده‌ها در اکسل به محاسبه متغیرهای پژوهش پرداخته شد و با استفاده از نرم‌افزار ایویوز، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

### مدل‌های پژوهش

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها، ۶ مدل رگرسیونی (ترکیبی/تلفیقی) و به پیروی از دونگ و همکاران (۲۰۲۱) به صورت ذیل تخمین زده شده است:

$$AQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 SD_{it} + \sum_{j=2}^7 \beta_j Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 SD_{it} + \beta_2 AQ_{it} + \beta_3 SD_{it} AQ_{it} + \sum_{j=4}^9 \beta_j Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$ER_{it} = \beta_0 + \beta_1 SD_{it} + \beta_2 AQ_{it} + \beta_3 SD_{it}AQ_{it} + \sum_{j=4}^9 \beta_j Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

$$COC_{it} = \beta_0 + \beta_1 SD_{it} + \beta_2 AQ_{it} + \beta_3 SD_{it}AQ_{it} + \sum_{j=4}^9 \beta_j Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۴}$$

$$QTOBIN_{it} = \beta_0 + \beta_1 SD_{it} + \beta_2 AQ_{it} + \beta_3 SD_{it}AQ_{it} + \sum_{j=4}^9 \beta_j Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۵}$$

که در مدل‌های فوق داریم،  $AQ_{it}$  متغیر مجازی (دو وجهی) اندازه (بزرگی) حساسرس به‌عنوان معیار کیفیت حساسرس در پایان سال مالی  $t$  برای شرکت  $i$ ،  $SD_{it}$  میزان انحراف استراتژیک در پایان سال مالی  $t$  برای شرکت  $i$ ،  $EM_{it}$  میزان مدیریت سود شرکت  $i$  در پایان سال مالی  $t$  و به‌عنوان اولین پیامد انتخاب حساسرس با کیفیت در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک،  $ER_{it}$  میزان تجمع (انباشت) سرمایه شرکت  $i$  در پایان سال مالی  $t$  و به‌عنوان دومین پیامد انتخاب حساسرس با کیفیت در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک،  $COC_{it}$  میزان هزینه سرمایه شرکت  $i$  در پایان سال مالی  $t$  و به‌عنوان سومین پیامد انتخاب حساسرس با کیفیت در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک،  $QTOBIN_{it}$  نسبت کیوتوبین به‌عنوان معیار مستقیم ارزش بازار شرکت  $i$  در پایان سال مالی  $t$  و به‌عنوان چهارمین پیامد انتخاب حساسرس با کیفیت در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک و در نهایت،  $Controls_{it}$  متغیرهای کنترلی در پایان سال مالی  $t$  برای شرکت  $i$  است.

شایان ذکر است از آنجایی که متغیر وابسته (کیفیت حساسرس) به صورت ساختگی (دو وجهی) می‌باشد، برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم، از روش رگرسیونی لجستیک (حداکثر درست‌نمایی - لوجیت باینری) استفاده شده است. در این مدل‌ها، از ضریب تعیین مک فادن و نسبت درست‌نمایی به‌منظور تعیین معناداری کل مدل استفاده می‌گردد (شیرین بخش و حسن خونساری، ۱۳۸۴). در این روش، ضریب تعیین مک فادن معادل ضریب تعیین در رگرسیون چندگانه کلاسیک است. در مدل‌های رگرسیونی لجستیک به جای حداقل نمودن مربع خطاها (که در رگرسیون معمولی متداول است)، احتمال وقوع یک رخداد حداکثر می‌گردد. در مدل رگرسیونی لجستیک، نیازی به برقراری پیش‌فرض‌های نرمال بودن و هم‌سانی ماتریس کوواریانس نیست (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین، در راستای آزمون فرضیه‌های سوم تا ششم پژوهش، از مدل‌های رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

### متغیرهای پژوهش

#### متغیر مستقل

در این پژوهش، انحراف استراتژیک ( $SD$ )<sup>۱</sup> است که برای اندازه‌گیری و محاسبه آن به پیروی از تانگ و همکاران (۲۰۱۱)، یوان و همکاران (۲۰۱۶) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱) و مطابق با پژوهش مشایخی و همکاران (۱۳۹۷)، از مدل بومی شده و بر مبنای شاخص‌های تعدیل شده به شرح ذیل استفاده شده است:

**انحراف استراتژیک:** برای اندازه‌گیری آن، نخست چهار معیار شدت سرمایه (نسبت دارایی ثابت به کل فروش)، نوسازی اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات (نسبت خالص دارایی ثابت به ناخالص دارایی ثابت)، کارایی سربار (نسبت هزینه‌های اداری و تشکیلاتی به کل فروش) و اهرم مالی (نسبت بدهی‌های بهره‌دار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) محاسبه گردید. سپس، برای هر کدام از معیارهای فوق‌الذکر در قالب سال - صنعت، نمره معیار یا استاندارد (کسر نمودن میانگین هر معیار از مقدار آن معیار و تقسیم نمودن عدد به‌دست آمده بر انحراف استاندارد آن معیار) برای تک تک شرکت‌های آن صنعت در سال موردنظر محاسبه شد. در نهایت، نمره انحراف استراتژیک برای تک تک شرکت‌های آن صنعت در سال موردنظر، از طریق میانگین قدرمطلق نمرات استاندارد شده چهار معیار مورد اشاره محاسبه شده است. هر چه معیار مذکور بیشتر باشد، نشان‌دهنده انحراف بالاتر استراتژی آن شرکت از استراتژی متداول در آن صنعت خواهد بود.

### متغیر وابسته

در پژوهش حاضر، کیفیت حسابرسی (AQ)، متغیر وابسته اولیه است که برای سنجش آن، از معیار اندازه حسابرس استفاده گردید. در صورت انجام حسابرسی شرکت صاحبکار توسط سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی دارای امتیاز کنترل کیفیت الف در اجرای مفاد ماده ۳۱ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی، مقدار متغیر مجازی اندازه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته شده است (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین، پیامدهای انتخاب حسابرس با کیفیت بالا در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک به‌عنوان متغیرهای وابسته نهایی و به پیروی از دونگ و همکاران (۲۰۲۱)، شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. کاهش مدیریت سود شرکت (EM) که برای اندازه‌گیری آن از الگوی جونز تعدیل شده (تعدیل شده به وسیله کوتاری و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵ و رونن و یاری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸) استفاده شده است. این الگو به شرح زیر است:

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_0 + \alpha_{1j} \left( \frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \frac{\alpha_{2j}(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \alpha_{3j} \left( \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_{3j} \left( \frac{NI_{it-1}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۶}$$

در این الگو داریم،  $TAC_{it}$  کل ارقام تعهدی (مابه‌التفاوت بین سود عملیاتی و جریان‌های نقدی عملیاتی) در پایان سال مالی  $t$  در شرکت  $i$ ؛  $TA_{it-1}$  کل دارایی‌ها در پایان سال مالی  $t-1$  در شرکت  $i$ ؛  $\Delta REV_{it}$  میزان تغییرات فروش طی سال‌های  $t-1$  تا  $t$  برای شرکت  $i$ ؛  $\Delta REC_{it}$  میزان تغییرات در حساب‌ها و اسناد دریافتی طی سال‌های  $t-1$  تا  $t$  برای شرکت  $i$ ؛  $PPE_{it}$  ناخالص اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات در پایان سال مالی  $t$  برای شرکت  $i$ ؛  $NI_{it-1}$  میزان سود خالص در پایان سال مالی  $t-1$  برای شرکت  $i$ ؛  $\varepsilon_{it}$  خطای رگرسیونی.

بعد از برآورد ضرایب رگرسیونی فوق، میزان ارقام تعهدی مدیریت شده (مدیریت سود)، از تفاضل بین ارقام تعهدی مدیریت نشده و کل ارقام تعهدی به شرح زیر به‌دست خواهد آمد.

1. Kothari et al.  
2. Ronen & Yaari

رابطه ۷)

$$EM_{it} = \frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} - \left( \alpha_0 + \alpha_{1j} \left( \frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \frac{\alpha_{2j} (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \alpha_{3j} \left( \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_{3j} \left( \frac{NI_{it-1}}{TA_{it-1}} \right) \right)$$

که در آن داریم،  $EM_{it}$  اجزای مدیریت شده اقلام تعهدی شرکت  $i$  در پایان سال مالی  $t$  که قدرمطلق آن، معادل جمع اقلام تعهدی اختیاری و برابر با میزان مدیریت سود است.

۲. کاهش تجمع (انباشت) سرمایه در دست سهامداران عمده (ER) که از تعریف سازمان بورس استفاده شده است. در بورس، هر فرد یا شرکتی که بیش از ۱ درصد سهام شرکت را در اختیار داشته باشد، در فهرست سهامداران عمده آن شرکت قرار می‌گیرد.

۳. کاهش هزینه سرمایه شرکت (COC) که برای محاسبه نرخ هزینه سرمایه به پیروی از ایستون<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، از معادله زیر استفاده شده است:

$$WACC_{it} = \frac{DPS_{it}}{P_{it-1}} + (NI_{it} - NI_{it-1}) / NI_{it-1} \quad \text{رابطه ۸}$$

که در آن داریم،  $WACC_{it}$  میانگین موزون هزینه سرمایه شرکت  $i$  در پایان سال  $t$ ؛  $DPS_{it}$  سود نقدی (تقسیمی) هر سهم شرکت  $i$  در پایان سال  $t$ ؛  $P_{it-1}$  قیمت هر سهم شرکت  $i$  در پایان سال  $t-1$ ؛  $NI_{it}$  سود خالص شرکت  $i$  در پایان سال  $t$ ؛  $NI_{it-1}$  سود خالص شرکت  $i$  در پایان سال  $t-1$ ؛ این متغیر در پژوهش نیکومرام و همکاران (۱۳۹۳) نیز با همین تعریف به کار رفته است.

۴. افزایش ارزش بازار شرکت (QTOBIN) بر حسب معیار نسبت کیوتوبین. نسبت کیوتوبین از طریق تقسیم ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه شده است. اگر نسبت کیوتوبین محاسبه شده، برای شرکتی از عدد یک بیشتر باشد، باشد، انگیزه زیادی برای سرمایه‌گذاری در آن شرکت وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، سرمایه‌گذاری در شرکت به صرفه نخواهد بود (ولف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). برای ارزش بازار شرکت از ارزش بازار سهام عادی به علاوه کل بدهی‌ها استفاده شد. بنابراین نحوه محاسبه نسبت کیوتوبین به شرح ذیل بوده است:

$$QTOBIN_{it} = \frac{(MVE_{it} + TL_{it})}{TA_{it}} \quad \text{رابطه ۹}$$

$QTOBIN_{it}$  نسبت کیوتوبین در پایان سال  $t$  برای شرکت  $i$ ؛  $MVE_{it}$  ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان سال  $t$  برای شرکت  $i$  که از حاصل ضرب تعداد سهام در قیمت هر سهم در پایان سال مالی به دست می‌آید؛  $TL_{it}$  میزان کل بدهی‌ها در پایان سال  $t$  برای شرکت  $i$ ؛  $TA_{it}$  میزان کل دارایی‌ها در پایان سال  $t$  برای شرکت  $i$ ؛ نسبت کیوتوبین در پژوهش‌های الیاسیانی و جان‌جیا<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) و کرننت و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) نیز به کار رفته است.

1. Easton  
2. Wolfe  
3. Elyasiani & Jane Jia  
4. Cornett et al.



### متغیرهای کنترلی

در این پژوهش به پیروی از دونگ و همکاران (۲۰۲۱) متغیرهای زیر به‌عنوان متغیر کنترلی در مدل‌ها وارد شدند. دونگ و همکاران (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که بزرگی مقدار اندازه، بازده دارایی، نسبت موجودی کالا، نسبت حساب‌های دریافتی و رشد شرکت بر احتمال انتخاب و استخدام حسابرسان با کیفیت، اثر مثبت دارد. علاوه بر آن، حسابرسان با کیفیت بر این شاخص‌های مالی در شرکت‌ها مؤثر هستند. همچنین، مشایخی و همکاران (۱۳۹۷) به استناد پژوهش‌های مختلف بیان می‌کنند که اهرم مالی به‌طور بالقوه موجب افزایش مدیریت سود در شرکت‌ها می‌شود، زیرا بر اقلام تعهدی سود و سایر انتخاب‌های افزایش‌دهنده سود حسابداری مؤثر است. علاوه بر آن، آن‌ها بیان می‌کنند که اندازه شرکت بر سطح اقلام تعهدی شرکت‌ها مؤثر است و اقلام تعهدی با عملکرد شرکت‌ها که در شاخص‌هایی همچون بازده دارایی‌ها، نسبت موجودی کالا، نسبت حساب‌های دریافتی و رشد، نمود دارد، ارتباط دارد. بر این اساس، متغیرهای کنترلی این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

الف) اندازه شرکت (SIZE) (لگاریتم طبیعی دارایی‌ها).

ب) بازده دارایی‌ها (ROA) (نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها).

ج) اهرم مالی (LEV) (نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها).

د) نسبت موجودی کالا (INV) (نسبت خالص موجودی کالا به کل دارایی‌ها).

ه) نسبت حساب‌های دریافتی (REC) (نسبت کل حساب‌ها و اسناد دریافتی به کل دارایی‌ها).

و) رشد شرکت (GROWTH) (نسبت رشد فروش شرکت).

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی متغیرها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح کل شرکت‌های مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است. نتایج آمار توصیفی حاکی از آن است که میانگین تجمع (انباشت) سرمایه و هزینه سرمایه در شرکت‌های مورد بررسی، به‌ترتیب ۰/۵۱ و ۰/۳۸ بوده است. همچنین، در بین متغیرهای کنترلی میانگین اهرم مالی، سودآوری شرکت، نسبت موجودی کالا، نسبت حساب‌های دریافتی و رشد شرکت بر حسب میزان رشد فروش، به‌ترتیب ۵۸ درصد، ۱۳ درصد، ۲۳ درصد، ۲۲ درصد و ۲۷ درصد بوده است.

دیگر نتایج آمار توصیفی حاکی از آن است که در بین پیامدهای احتمالی انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، مدیریت سود و ارزش بازار شرکت بر حسب معیار نسبت کیوتوبین، دارای ضریب تغییرات و پراکندگی بیشتر و در نتیجه ثبات و پایداری کم‌تری طی دوره پژوهش بوده‌اند. این در حالی است که تجمع (انباشت) سرمایه در دست سهام‌داران عمده دارای ضریب تغییرات و پراکندگی کم‌تر و در نتیجه ثبات و پایداری بیش‌تری طی دوره مورد بررسی بوده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح کل شرکت‌های مورد مطالعه

متغیرها	معیارها	میانگین	میان	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
مدیریت سود EM	۰/۰۷۰۶	۰/۰۵۹	۰/۲۳۹	۰/۰۰۲	۰/۰۵۳	
تجمع (انباشت) سرمایه ER	۰/۵۱۸	۰/۵۱۲	۰/۹۰۶	۰/۱۸۴	۰/۱۷۰۸	
هزینه سرمایه COC	۰/۳۸۵	۰/۲۹۵	۱/۶۷۴	-۰/۶۳۵	۰/۷۱۷	
ارزش بازار QTOBIN	۳/۲۶۰	۲/۳۸۷	۱۱/۵۲۲	۱/۰۷۵	۲/۲۳۷	
انحراف استراتژیک SD	۰/۷۵۲	۰/۶۹۴	۱/۴۵۷	۰/۳۳۷	۰/۲۷۴	
اندازه شرکت SIZE	۱۴/۶۰۵	۱۴/۵۵۵	۱۷/۵۵۸	۱۲/۲۹۴	۱/۰۸۶	
سودآوری ROA	۰/۱۳۷	۰/۱۱۴	۰/۴۲۵	-۰/۰۶۵	۰/۱۱۲	
اهرم مالی LEV	۰/۵۸۱	۰/۵۸۳	۰/۹۲۳	۰/۱۶۱	۰/۱۹۰	
نسبت موجودی کالا INV	۰/۲۲۳	۰/۲۱۱	۰/۵۰۸	۰/۰۱۴	۰/۱۰۹	
نسبت حساب‌های دریافتی REC	۰/۲۷۳	۰/۲۵۴	۰/۶۳۶	۰/۰۴۲	۰/۱۴۶	
رشد شرکت GROWTH	۰/۳۰۲	۰/۲۶۷	۱/۳۲۱	-۰/۲۷۷	۰/۳۳۰۸	

### بررسی فروض کلاسیک

به منظور بررسی همخطی بین متغیرهای پژوهش آزمون عامل تورم واریانس انجام شد. با توجه به مقدار آماره عامل تورم واریانس برای همه مدل‌ها که در محدود عدد ۱ قرار داشت، بین متغیرهای پژوهش، همخطی وجود ندارد. همچنین، در پژوهش حاضر، ناهمسانی واریانس میان جزءاخلال‌های مدل‌های پژوهش از طریق آزمون وایت برای مدل‌های دوم تا پنجم، بررسی شد. نتایج حاصل بیانگر آن است که مدل‌های دوم، سوم و پنجم پژوهش دارای مشکل ناهمسانی واریانس هستند، زیرا سطح احتمال حاصله از سطح معناداری ۵ درصد کمتر می‌باشد. بنابراین، به منظور رفع مشکل ناهمسانی از روش GLS استفاده شد. در این پژوهش، خودهمبستگی سریالی میان جزءاخلال‌های مدل‌های پژوهش از طریق آزمون برونش گادفری بررسی شد. نتایج حاصل بیانگر آن است که کلیه مدل‌های پژوهش (به استثنای مدل دوم) دارای مشکل خودهمبستگی سریالی هستند، زیرا سطح احتمال حاصله از سطح معناداری ۵ درصد کمتر می‌باشد. بنابراین، به منظور رفع مشکل خودهمبستگی از روش GLS و افزودن متغیر مصنوعی AR در زمان برازش مدل‌های نهایی استفاده شد. البته، برای مدل سوم برای رفع خودهمبستگی، با توجه به نتایج آزمون هاسمن، متغیرهای مستقل پژوهش با یک لگ در مدل وارد شدند.

### تفسیر یافته‌های پژوهش

#### آزمون فرضیه اول پژوهش

جهت آزمون این فرضیه از روش رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی - لوجیت باینری (لجستیک) استفاده شده است، زیرا متغیر وابسته پژوهش (کیفیت حسابرسی) به صورت متغیر مجازی (دو وجهی) است. مدل رگرسیونی تأثیر انحراف استراتژیک بر انتخاب حسابرسان با کیفیت در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. نتایج برآورد فرضیه اول پژوهش (تأثیر انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی شرکت)

متغیرها	آماره‌ها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره Z	احتمال آماره Z
مقدار ثابت C		-۹/۴۱۱	-۵/۶۶۷	۰/۰۰۰
انحراف استراتژیک SD		۰/۷۸۷	۲/۰۴۵	۰/۰۴۰۸
اندازه شرکت SIZE		۰/۷۱۱	۶/۲۶۳	۰/۰۰۰
سودآوری ROA		-۱/۶۱۰	-۱/۵۶۵	۰/۱۱۷
اهرم مالی LEV		-۱/۱۵۷	-۲/۳۹۸	۰/۰۱۶
نسبت موجودی کالا INV		۱/۰۴۹	۱/۰۸۳	۰/۲۷۸
نسبت حساب‌های دریافتی REC		۱/۹۹۰	۲/۹۴۴	۰/۰۰۳
رشد شرکت GROWTH		۰/۰۶۱	۰/۱۸۲	۰/۸۵۵
ضریب تعیین مک فادن		مقدار آماره نسبت درست‌نمایی	احتمال آماره نسبت درست‌نمایی	
۰/۰۸۳		۶۱/۲۶۳	۰/۰۰۰۰	
نتایج صحت پیش‌بینی مدل				
برای مقادیر برابر با ۰	برای مقادیر برابر با ۱	در سطح کل		
۱۳/۵۹ درصد	۳۹/۸۸ درصد	۵۳/۴۸ درصد		
نتایج آزمون هاسمر - لمشو				
مقدار آماره هاسمر - لمشو	۹/۳۷۷	احتمال آماره هاسمر - لمشو	۰/۳۱۱	

نتایج مربوط به احتمال آماره نسبت درست‌نمایی (۰/۰۰۰۰۰) حاکی از معنادار بودن مدل رگرسیونی در حالت کلی است. احتمال معناداری آماره هاسمر - لمشو<sup>۱</sup> ۰/۳۱۱ می‌باشد. از آنجایی که این مقدار بزرگ‌تر از ۵ درصد است، بنابراین، فرض صفر در آزمون هاسمر - لمشو پذیرفته می‌شود. چنین پذیرشی بیانگر بالا بودن قدرت نیکویی برازش<sup>۲</sup> مدل لجستیک جهت پیش‌بینی احتمال انتخاب و به‌کارگیری حساب‌برسان با کیفیت در شرکت‌های بورسی با انحراف استراتژیک است. همچنین، نتایج صحت پیش‌بینی مدل حاکی از آن است که مدل برآورد شده در حدوداً ۴۰ درصد موارد، مقادیر برابر با ۱ (انتخاب و به‌کارگیری حساب‌برسان با کیفیت) را درست پیش‌بینی کرده است. به هر حال، صحت پیش‌بینی مدل در حالت کلی، حدود ۵۴ درصد بوده است. در نهایت، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر انحراف استراتژیک بر کیفیت حساب‌برسان شرکت، مثبت (۰/۷۸۷) و با توجه به احتمال آماره Z (۰/۰۴۰) معنادار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که انحراف استراتژیک منجر به انتخاب حساب‌برسان با کیفیت شده است و فرضیه اول پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود. بر اساس نتایج تخمین رگرسیون لاجیت برای آزمون فرضیه اول پژوهش، حدود ۴۰ درصد شرکت‌های موجود در نمونه که دارای انحراف استراتژیک از صنعت بوده‌اند، از مؤسسه‌های حساب‌برسی بزرگ برای انجام حساب‌برسی خود استفاده نمودند. در نهایت برای آنکه مشخص نماییم که آیا انحراف استراتژیک بر انتخاب حساب‌برسان با کیفیت اثر دارد یا خیر؟ مقدار متوسط انحراف استراتژیک تمام شرکت‌های نمونه را محاسبه و بر این اساس، متغیر جدیدی برای انحراف استراتژیک ارائه شد.

1. Hosmer-Lemeshow

2. Goodnes- of - Fit

به این ترتیب که مقادیر انحراف استراتژیک بالاتر از میانگین برابر با یک و سایر موارد برابر با صفر منظور شد. سپس رگرسیون چندگانه کلاسیک برای بررسی بیشتر فرضیه اول پژوهش، تخمین زده شد. نتایج (مقدار آماره  $t$  برابر با  $1/707$  در سطح معناداری  $0/088$ ) حاکی از آن بود که در سطح  $10$  درصد، شرکت‌هایی که دارای انحراف استراتژیک بالاتر بودند، تمایل بیشتری برای انتخاب مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ داشته‌اند.

### آزمون فرضیه دوم پژوهش

قبل از آزمون فرضیه فوق، به انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پرداخته شده است. بر اساس نتایج آزمون  $F$  لیمر (مقدار آماره  $2/754$  و معناداری  $0/000$  در سطح  $5$  درصد) و آزمون هاسمن (مقدار آماره  $35/058$  و معناداری  $0/0001$  در سطح  $5$  درصد) از الگوی ترکیبی با اثرات ثابت استفاده شد.

### جدول ۳. نتایج برآورد فرضیه سوم پژوهش (اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی بر تأثیر انحراف استراتژیک بر مدیریت سود)

متغیرها	آماره‌ها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره $t$	احتمال آماره $t$
مقدار ثابت C		$-0/304$	$-2/359$	$0/018$
انحراف استراتژیک SD		$0/012$	$1/692$	$0/090$
کیفیت حسابرسی (مجازی) AQ		$-0/015$	$-5/116$	$0/000$
انحراف استراتژیک در کیفیت حسابرسی (مجازی) $SD * AQ$		$-0/006$	$-0/517$	$0/604$
اندازه شرکت SIZE		$0/025$	$2/819$	$0/004$
سودآوری ROA		$-0/001$	$-0/051$	$0/959$
اهرم مالی LEV		$-0/003$	$-0/158$	$0/874$
نسبت موجودی کالا INV		$0/039$	$2/894$	$0/003$
نسبت حساب‌های دریافتی REC		$0/004$	$0/218$	$0/826$
رشد شرکت GROWTH		$0/031$	$3/409$	$0/000$
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	آماره دوربین واتسون	
$0/333$	$0/244$	$3/739$ ( $0/000$ )	$2/219$	

نتایج مربوط به آماره  $F$  در جدول ۳ نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون، فاقد مشکل خودهمبستگی است. همچنین بر اساس نتایج گزارش شده، انحراف استراتژیک با مدیریت سود رابطه مثبت و معنادار دارد، اما انتخاب حسابرسان با کیفیت با مدیریت سود رابطه منفی و معنادار دارد. در نهایت، انتخاب حسابرسان با کیفیت در شرکت‌هایی که دارای انحراف استراتژیک هستند بر مدیریت سود، تأثیر منفی ( $-0/006$ ) دارد و با توجه به احتمال آماره  $t$  ( $0/604$ ) نوع اثر، بی‌معنی می‌باشد. بنابراین، فرضیه دوم (فرعی اول) تأیید می‌شود، اما فرضیه دوم (فرعی دوم) رد می‌شود.

## آزمون فرضیه سوم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر (مقدار آماره ۴۹/۷۹۱ و معناداری ۰/۰۰۰ در سطح ۵ درصد) و آزمون هاسمن (مقدار آماره ۶/۵۶۴ و معناداری ۰/۶۸۲ در سطح ۵ درصد) از الگوی ترکیبی با اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده شد.

جدول ۴. نتایج برآورد فرضیه چهارم پژوهش (اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی بر تأثیر انحراف استراتژیک بر تجمع (انباشت) سرمایه)

متغیرها	آماره‌ها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت C		۰/۶۵۲	۷/۵۰۹	۰/۰۰۰
انحراف استراتژیک SD		-۰/۰۱۹۴۳	-۱/۸۳۴	۰/۰۶۶
انحراف استراتژیک (SD(-1))		-۰/۰۱۹۴۶	-۲/۱۳۶	۰/۰۳۲
کیفیت حسابرس (مجازی) AQ		-۰/۰۱۰	-۱/۷۲۸	۰/۰۸۴
کیفیت حسابرس (مجازی) (AQ(-1))		-۰/۰۰۱	-۰/۲۰۳	۰/۸۳۸
انحراف استراتژیک در کیفیت حسابرس (مجازی) SD*AQ		۰/۰۰۹	۰/۵۱۳	۰/۶۰۸
اندازه شرکت SIZE		-۰/۰۰۶	-۱/۲۰۲	۰/۲۲۹
سودآوری ROA		-۰/۰۱۴	-۰/۵۰۹	۰/۶۱۰
اهرم مالی LEV		-۰/۰۲۱	-۰/۹۷۲	۰/۳۳۰
نسبت موجودی کالا INV		۰/۰۵۹	۱/۶۶۸	۰/۰۹۵
نسبت حساب‌های دریافتی REC		-۰/۰۱۳	-۰/۵۰۰۲	۰/۶۱۷
رشد شرکت GROWTH		۰/۰۰۱	۰/۲۵۳	۰/۸۰۰
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	آماره دوربین واتسون	
۰/۰۲۳	۰/۰۱۳	۲/۳۲۵ (۰/۰۰۸)	۱/۳۲۲	

نتایج حاصل در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج مربوط به آماره F نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین - واتسون، فاقد مشکل خودهم‌بستگی است. همچنین بر اساس نتایج گزارش شده، انتخاب حساب‌سازان با کیفیت در شرکت‌هایی که دارای انحراف استراتژیک هستند بر تجمع (انباشت) سرمایه، تأثیر منفی (۰/۰۰۹-) دارد و با توجه به احتمال آماره t (۰/۶۰۸) معنادار نمی‌باشد. علاوه بر آن، انحراف استراتژیک با تجمع (انباشت) سرمایه رابطه منفی و معنادار دارد. به عبارتی، در شرکت‌ها با استراتژی انحرافی از صنعت، انباشت سرمایه محدود شده است. بنابراین، فرضیه سوم (فرعی اول) تأیید می‌شود، اما فرضیه سوم (فرعی دوم) پژوهش رد می‌شود.

## نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر (مقدار آماره ۱/۵۷۷ و معناداری ۰/۰۰۰۱ در سطح ۵ درصد) و آزمون هاسمن (مقدار آماره ۳۵/۰۵۸ و معناداری ۰/۰۰۰۱ در سطح ۵ درصد) از الگوی ترکیبی با اثرات ثابت برای تخمین مدل استفاده شد.

جدول ۵. نتایج برآورد فرضیه پنجم پژوهش (اثر تعدیلی کیفیت حساسی بر تأثیر انحراف استراتژیک بر هزینه سرمایه)

متغیرها	آماره‌ها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت C		-۱/۸۸۸	-۲/۸۱۸	۰/۰۰۴
انحراف استراتژیک SD		۰/۲۴۹	۲/۶۳۴	۰/۰۰۸
کیفیت حساسی (مجازی) AQ		-۰/۱۱۰	-۱/۹۳۹	۰/۰۵۲
انحراف استراتژیک در کیفیت حساسی (مجازی) SD*AQ		-۰/۳۶۱	-۲/۲۸۲	۰/۰۲۲
اندازه شرکت SIZE		۰/۱۵۱	۳/۵۲۳	۰/۰۰۰
سودآوری ROA		۱/۵۷۶	۵/۹۳۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی LEV		-۰/۵۳۳	-۲/۴۵۲	۰/۰۱۴
نسبت موجودی کالا INV		-۰/۰۰۴	-۰/۰۱۵	۰/۹۸۷
نسبت حساب‌های دریافتی REC		-۰/۱۸۳	-۰/۹۷۶	۰/۳۲۹
رشد شرکت GROWTH		۰/۳۸۱	۶/۶۶۲	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	آماره دوربین واتسون
۰/۳۳۵		۰/۲۴۶	۳/۷۷۴ (۰/۰۰۰)	۲/۵۳۳

نتایج حاصل در جدول ۵ ارائه شده است. نتایج مربوط به آماره F نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین - واتسون، فاقد مشکل خودهمبستگی است. همچنین بر اساس نتایج گزارش شده، انتخاب حساسی با کیفیت در شرکت‌هایی که دارای انحراف استراتژیک هستند بر هزینه سرمایه، تأثیر منفی (۰/۳۶۱-) دارد و با توجه به احتمال آماره t (۰/۰۲۲) معنادار می‌باشد و فرضیه پنجم پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود. به عبارتی، انتخاب حساسی با کیفیت در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک منجر به کاهش هزینه سرمایه این شرکت‌ها شده است. بنابراین، به کارگیری و انتخاب حساسی با کیفیت، در کاهش هزینه سرمایه به ویژه در شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، مؤثر بوده است. یکی از دلایل این امر آن است که انتخاب حساسی با کیفیت در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک منجر به کاهش تعارضات نمایندگی شده است و این مسئله بر هزینه‌های تأمین مالی این شرکت‌ها اثرگذار بوده است. علاوه بر آن، بر اساس نتایج پژوهش انحراف استراتژیک بر هزینه سرمایه شرکت‌ها رابطه مثبت و معنادار دارد. به عبارتی، شرکت‌هایی که انحراف استراتژیک از صنعت داشته‌اند، هزینه سرمایه بالاتری پرداخت کردند، و در نهایت انتخاب حساسی با کیفیت این رابطه را تعدیل کرده است.

#### نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر (مقدار آماره ۲/۶۱۲ و معناداری ۰/۰۰۰ در سطح ۵ درصد) و هاسمن (مقدار آماره ۱۸۵/۲۶۳ و معناداری ۰/۰۰۰ در سطح ۵ درصد) از الگوی ترکیبی با اثرات ثابت برای تخمین مدل استفاده شد.

جدول ۶. نتایج برآورد فرضیه ششم پژوهش (اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی بر تأثیر انحراف استراتژیک بر ارزش بازار)

متغیرها	آماره‌ها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت C		-۳/۱۲۱	-۰/۲۶۶	۰/۷۸۹
انحراف استراتژیک SD		۰/۵۶۳	۴/۰۷۱	۰/۰۰۰
کیفیت حسابرس (مجازی) AQ		-۰/۲۴۲	-۰/۷۶۹	۰/۴۴۱
انحراف استراتژیک در کیفیت حسابرس (مجازی) SD*AQ		-۰/۴۷۵	-۱/۹۳۵	۰/۰۵۳
اندازه شرکت SIZE		۰/۳۲۲	۰/۳۹۴	۰/۶۹۳
سودآوری ROA		۵/۹۰۳	۴/۵۳۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی LEV		۰/۷۷۳	۱/۱۹۱	۰/۲۳۳
نسبت موجودی کالا INV		۴/۹۰۲	۲/۲۹۲	۰/۰۲۲
نسبت حساب‌های دریافتی REC		-۰/۰۶۷	-۰/۰۴۸	۰/۹۶۱
رشد شرکت GROWTH		۰/۱۷۸	۰/۹۶۵	۰/۳۳۴
AR(1)		۰/۴۳۶	۲/۱۴۶	۰/۰۳۲
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	آماره دوربین واتسون	
۰/۵۲۹	۰/۴۵۶	(۰/۰۰۰) ۷/۲۸۸	۲/۱۳۵	

نتایج حاصل نشان می‌دهد که در حالی که انحراف استراتژیک با ارزش بازار شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد (تأیید فرضیه پنجم (فرعی اول)) تأثیر کیفیت حسابرس در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک بر ارزش بازار، منفی (۰/۴۷۵-) است و با توجه به احتمال آماره t (۰/۰۵۳) معنادار است. بنابراین فرضیه پنجم پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود. به عبارتی، انتخاب حسابرسان بزرگ، رابطه بین انحراف استراتژیک و ارزش بازار، را تعدیل می‌کند و تأثیر مثبت انحراف استراتژیک بر ارزش بازار را کاهش می‌دهد. در توضیح این نتیجه می‌توان بیان کرد که انتخاب مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ منجر به افزایش هزینه‌های شرکت گردیده و بر سود شرکت مؤثر است. علاوه بر آن، انحراف استراتژیک علاوه بر مزایایی که برای شرکت‌ها دارد، می‌تواند شرکت را با مسائل و چالش‌های پیچیده‌ای مواجه نماید که انتخاب حسابرسان بزرگ برای کنترل و کاهش تضاد نمایندگی ناشی از انحراف استراتژیک بین مدیران و سرمایه‌گذاران، یکی از ابزارهای کنترل هزینه نمایندگی است، اما همان طور که در مبانی نظری نیز تأکید شد، این مؤسسه‌ها به‌خاطر حفظ شهرت و اعتبار خود و دسترسی بیشتر به منابع کافی برای انجام یک حسابرسی با کیفیت، سخت‌گیری بیشتری در انجام کار دارند که این مسئله برای چنین شرکت‌هایی که با پدیده و چالش‌هایی نوینی در مسیر پیاده‌سازی استراتژی مواجه هستند، می‌تواند با نظر تعدیل شده حسابرس و یا صرف هزینه حسابرسی بیشتر به‌خاطر تلاش‌های بیشتر حسابرس در انجام حسابرسی و افزایش هزینه‌های حسابرسی همراه باشد. بنابراین، مجموع این عوامل می‌تواند منجر به اثر نامطلوب انتخاب حسابرسان بزرگ در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک بر ارزش بازار آن‌ها شده و ارزش بازار آن‌ها را کاهش دهد.



## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این پژوهش ارائه شد، پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی و پیامدهای متعاقب آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. بر مبنای نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه اول پژوهش، تأثیر مثبت و معنادار انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی شرکت، تأیید شد. این موضوع نشان می‌دهد که انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی شرکت، تأثیر مستقیم دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، به احتمال زیادی اقدام به انتخاب حسابرسان با کیفیت نموده‌اند. از این رو، بر اساس نظریه نمایندگی به نظر می‌رسد که بالا بودن میزان عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های دارای سطوح بالای انحراف استراتژیک، شرکت‌ها را به سمت انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت سوق داده است. نتایج این فرضیه در رابطه با تأثیر مثبت و معنادار انحراف استراتژیک بر کیفیت حسابرسی شرکت، تا حدودی موافق با نتایج پژوهش‌های قبلی هی و بین (۲۰۱۸) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱) و تا حدودی مغایر با نتایج پژوهش قبلی مشایخی و همکاران (۱۳۹۷) است.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، منفی و بی‌معنی است. به‌طور کلی، نتیجه فرضیه دوم مبنی بر تأثیر معکوس کیفیت حسابرسی بر رابطه بین انحراف استراتژیک و مدیریت سود، تا حدودی همراستا با نتایج پژوهش‌های قبلی کیم و همکاران (۲۰۰۳)، پیوت و جنین (۲۰۰۵)، چن و همکاران (۲۰۰۹)، چن و همکاران (۲۰۱۱)، روسمین و همکاران (۲۰۱۴)، یه و همکاران (۲۰۱۵)، غول و همکاران (۲۰۱۶)، یوان و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱) است. تأثیر معکوس کیفیت حسابرسی بر رابطه بین انحراف استراتژیک و مدیریت سود، حاکی از آن است که در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، انتخاب حسابرسان با کیفیت، منجر به محدود شدن میزان مدیریت سود گردیده است. در تأیید این مسئله لازم به ذکر است که اثر کیفیت حسابرسی در سطح ۹۹ درصد بر مدیریت سود منفی و معنادار بود. به بیان دیگر، کیفیت حسابرسی، عاملی مؤثر در کاهش میزان مدیریت سود شرکت‌ها است.

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش حاکی از آن است که کیفیت حسابرسی بر تجمع (انباشت) سرمایه در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک (به بیان دیگر، تأثیر اثر تعاملی انحراف استراتژیک در کیفیت حسابرسی بر تجمع (انباشت) سرمایه شرکت)، اثری ندارد. به‌طور کلی، نتیجه فرضیه چهارم مبنی بر عدم تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین انحراف استراتژیک و تجمع (انباشت) سرمایه، تا حدودی مغایر با نتایج پژوهش‌های قبلی اشبوگ و وارفیلد (۲۰۰۳)، گوئدهامی و پیتمن (۲۰۰۶) جون لین و لیو (۲۰۰۹)، چن و همکاران (۲۰۰۹)، غول و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱) است.

نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش حاکی از آن است که کیفیت حسابرسی بر هزینه سرمایه در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، رابطه منفی و معنادار دارد. تأثیر معکوس کیفیت حسابرسی بر رابطه بین انحراف استراتژیک و هزینه سرمایه، حاکی از آن است که در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، انتخاب حسابرسان با کیفیت، منجر به کاهش هزینه سرمایه شرکت گردیده است. به بیان دیگر، کیفیت حسابرسی در کنار انحراف استراتژیک، عاملی مؤثر در کاهش

هزینه سرمایه شرکت‌ها بوده است. به‌طور کلی، نتیجه فرضیه پنجم، تا حدودی موافق با نتایج پژوهش‌های قبلی چن و همکاران (۲۰۰۹)، غول و همکاران (۲۰۱۶)، یوان و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۹) و دونگ و همکاران (۲۰۲۱) است.

نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش حاکی از آن است که کیفیت حسابرس با ارزش بازار در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک رابطه معکوس و معنادار دارد. به‌طور کلی، نتیجه فرضیه ششم مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرس بر رابطه بین انحراف استراتژیک و ارزش بازار شرکت، تا حدودی موافق با نتایج پژوهش قبلی کیم و همکاران (۲۰۱۵)، صفری گرایلی و دهقان (۱۳۹۶) و نمازی و اسماعیل پور (۱۴۰۰) بوده است. تأثیر کیفیت حسابرس بر رابطه بین انحراف استراتژیک و ارزش بازار شرکت، حاکی از آن است که در شرکت‌های دارای انحراف استراتژیک، انتخاب حسابرسان با کیفیت، منجر به کاهش ارزش بازار شرکت گردیده است. این نتیجه حاکی از آگاه بودن بازار نسبت به اثر حسابرسی با کیفیت در اعمال محدودیت و اصلاحات در شرکت‌هایی است که استراتژی متفاوتی در مقایسه با صنعت را انتخاب می‌کنند. این استراتژی متفاوت می‌تواند منجر به اقداماتی توسط مدیریت شود که ریسک بیشتری را بر شرکت تحمیل نماید و همین مسئله در گزارش حسابرس و اظهار نظر حسابرس مؤثر خواهد بود.

بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود تا در تحقیقات آتی اثر کنترل‌های داخلی، تغییر حسابرس، کیفیت حسابرس و گزارش تداوم فعالیت حسابرس بر انحراف استراتژیک شرکت‌ها و اثر آن بر انتخاب حسابرسان با کیفیت بررسی شود. به‌عبارتی، فقدان بررسی این جنبه‌ها، از محدودیت‌های با اهمیت این پژوهش است و ضرورت دارد در پژوهش‌های آتی اثر این روابط بر مسئله این پژوهش بررسی و نتایج آن با نتایج این پژوهش مورد مقایسه و بررسی قرار گیرد. علاوه بر آن، پیشنهاد می‌شود که دلایل دقیق چرایی اثر معکوس و معنادار کیفیت حسابرس بر رابطه بین انحراف استراتژیک و ارزش بازار، در پژوهش‌های آتی مورد بررسی و تعمق بیشتر قرار گیرد. در این پژوهش برخلاف ادبیات پژوهشی این حوزه انتخاب حسابرس با کیفیت منجر به تعدیل مثبت رابطه بین انحراف استراتژیک و ارزش بازار نشد که می‌تواند اثر عوامل دیگر باشد. ضرورت دارد در پژوهش‌های آتی با انتخاب معیار دیگری برای اندازه‌گیری ارزش بازار و کنترل اثر عوامل دیگر همچون ریسک شرکت‌ها و نسبت بازده به قیمت و یا تغییرات قیمت، بررسی بیشتری در این خصوص انجام شود. در نهایت، از دیگر محدودیت‌های این بررسی مربوط به محاسبه و برآورد متغیر انحراف استراتژیک است که برای برآورد این متغیر از ترکیب چهار متغیر دیگر استفاده شده است و ممکن است این چهار متغیر و روش برآورد انحراف استراتژیک، به‌خوبی نماینده و بیان‌کننده انحراف استراتژیک شرکت‌ها نباشد.

## منابع

- تتانی، محسن و محب خواه، محمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۱۳)، ۱۰۵-۱۳۷.
- کارگر، حامد و زنگنه، سمیه (۱۳۹۷). تأثیر استراتژی کسب‌وکار بر رابطه بین ریسک‌پذیری و ارزش شرکت. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۱(۳)، ۱۴-۲۷.

- مرادی، محمد و سپهوندی، سعیده (۱۳۹۴). تأثیر استراتژی‌های رقابتی بر پایداری عملکرد مالی و ریسک. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۳)، ۷۵-۹۰.
- مرادی، محمد و یحیایی، منیره (۱۳۹۹). تدوین الگوی انتخاب حسابرس مستقل در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲(۲)، ۲۵۸-۲۸۷.
- مشایخی، بیتا؛ عمرانی، حامد و آخوندی، امید (۱۳۹۷). تخصص شریک حسابرسی در صنعت و کیفیت حسابرسی: نقش استراتژی‌های صاحبکار. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۳)، ۱۰۵-۱۲۶.
- مشکی میاوقی، مهدی؛ خردیار، سینا و حسن‌زاده، نغمه (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین استراتژی راهبردی هزینه، رقابت بازار و مدیریت سودهای واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۰(۱)، ۲۱۸-۲۴۳.
- مهدوی، غلامحسین؛ منفردمهارلویی، محمد و ابراهیمی، فهیمه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظام راهبردی شرکتی بر اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بورس اوراق بهادار، ۴(۱۳)، ۱۳۵-۱۵۵.
- نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)، ۳(۹)، ۴-۲۱.

## References

- Abdulwase, R., Ahmed, F., Nasr, F., Abdulwase, A., Alyousofi, A. & Yan, S. (2020). The role of business strategy to create a competitive advantage in the organization. *Open Access J Sci*, 4(4), 135-138.
- Ashbaugh, H. & Warfield, T. D. (2003). Audits as a corporate governance mechanism: Evidence from the German market. *Journal of International Accounting Research*, 2(1), 1-21.
- Chen, S., Xiao, X. X., Yang, Y. & Zou, C. (2014). CEO Power, Strategic Differences and Firm Performance: A Regulatory Effect Based on Environmental Dynamics. *Research in Finance and Trade*, 25, 7-16.
- Cornett, M. M., Marcus, A. J., Saunders, A. & Tehranian, H. (2007). The impact of institutional ownership on corporate operating performance. *Journal of Banking & Finance*, 31(6), 1771-1794.
- Dong, X., Cui, Y. & Gao, J. (2021). Strategic deviance and auditor selection. *China Journal of Accounting Studies*, 9(1), 81-112.
- Easton, P. D. (2004). PE ratios, PEG ratios, and estimating the implied expected rate of return on equity capital. *The accounting review*, 79(1), 73-95.
- El Ghoul, S., Guedhami, O. & Pittman, J. (2016). Cross-country evidence on the importance of Big Four auditors to equity pricing: The mediating role of legal institutions. *Accounting, Organizations and Society*, 54, 60-81.

- Elyasiani, E. & Jia, J. J. (2008). Institutional ownership stability and BHC performance. *Journal of Banking & Finance*, 32(9), 1767-1781.
- Fan, J., Wang, L., Wu, G. & Zhang, Y. (2023, February). Deviant Strategy, Internal Control, and Stock Price Crash Risk: An Empirical Study from Panel Data of A-Listed Companies in China Based on Fixed Effect Models. In *Proceedings of the 4th International Conference on Economic Management and Model Engineering, ICEMME 2022, November 18-20, 2022, Nanjing, China*.
- Fang, J., Pittman, J., Zhang, Y. & Zhao, Y. (2017). Auditor choice and its implications for group-affiliated firms. *Contemporary Accounting Research*, 34(1), 39-82.
- Fang, J., Pittman, J., Zhang, Y. & Zhao, Y. (2017). Auditor choice and its implications for group-affiliated firms. *Contemporary Accounting Research*, 34(1), 39-82.
- Guedhami, O. & Pittman, J. A. (2006). Ownership concentration in privatized firms: The role of disclosure standards, auditor choice, and auditing infrastructure. *Journal of Accounting Research*, 44(5), 889-929.
- Guedhami, O., Pittman, J. A. & Saffar, W. (2014). Auditor choice in politically connected firms. *Journal of accounting research*, 52(1), 107-162.
- Hassanabadi, M. (2019). *Strategic Thinking, Organizational Foresight, and Strategic Planning in High-tech SMEs in the UK*. Bangor University (United Kingdom).
- He, X. & Yin, C. (2018). The impact of strategic deviance on analysts' earnings forecasts: evidence from China. *Nankai Business Review International*, 10(3), 362-381.
- Houston, J. F., Lin, C. & Xie, W. (2018). Shareholder protection and the cost of capital. *The Journal of Law and Economics*, 61(4), 677-710.
- Jing, L. & Zhibin, C. (2020). Does Strategy Deviance Influence the Vitality and Function of Internal Capital Market-An Empirical Study on Chinese A-share Listed Companies. *Management Review*, 32(8), 269.
- Kargar, H., Zanganeh, S. (2018). The impact of business strategy on the relationship between risk taking and company value. *Journal of Accounting and Management Vision*, 1(3), 14-27. (in Persian)
- Kim, J. B., Lee, J. J. & Park, J. C. (2015). Audit quality and the market value of cash holdings: The case of office-level auditor industry specialization. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(2), 27-57.
- Lin, Z. J. & Liu, M. (2009). The impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 18(1), 44-59.
- Mahdavi, G., and Manfard Maharloui, M., and Ebrahimi, F. (1390). Investigating the impact of the corporate strategic system on the size of the selected audit firm of the companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Stock Exchange*, 4(13), 135-155. (in Persian)

- Mashayekhi, B., Omrani, H., Akhoundi, O. (2018). Auditor Industry Specialization and Audit Quality: The Role of Client Strategy. *Empirical Research in Accounting*, 8(4), 105-126. doi: 10.22051/jera.2018.16354.1726. (in Persian)
- Meshki Miavagii, M., Kheradyar, S., Hasanzadeh, N. (2018). A study on the relationship between Cost leadership strategy, Market Competition, and earnings management in the Tehran Stock Exchange (TSE). *Journal of Accounting Advances*, 10(1), 218-243. doi: 10.22099/jaa.2018.26327.1599. (in Persian)
- Moradi, M. & Yahyaei, M. (2020). Develop a Model for Selecting an Independent Auditor in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 27(2), 258-287. (in Persian)
- Moradi, M., sepahvandi, S. (2015). The Impact of Competitive Strategies on Stability of Financial Performance and Risk. *Journal of Financial Accounting Research*, 7(3), 90-75. (in Persian)
- Namazi, M., and Bayzidi, A., and Jabarzadeh Kangarloui, S. (1390). Investigating the relationship between audit quality and profit management of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 3(9), 4-21. (in Persian)
- Rusmin, R., Astami, E. W. & Hartadi, B. (2014). The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management: The case of growth triangle countries. *Asian review of accounting*, 22(3), 217-232.
- Soroushyar, A. (2023). Auditor characteristics and the financial reporting quality: the moderating role of the client business strategy. *Asian Journal of Accounting Research*, 8(1), 27-40.
- Tanani, M., Mohebkah, M. (2014). The Relation of Business Strategy with Earnings Quality and Stock Return in Firms listed in TSE. *Empirical Research in Accounting*, 4(13), 105-127. doi: 10.22051/jera.2015.1886. (in Persian)
- Tang, J., Crossan, M. & Rowe, W. G. (2011). Dominant CEO, deviant strategy, and extreme performance: The moderating role of a powerful board. *Journal of Management Studies*, 48(7), 1479-1503.
- Tang, Y. J. (2011). Auditing quality vs signal display: Ultimate control, big shareholder governance strategy and auditor choice. *Journal of Financial Research*, 5, 139-155.
- Wang, H. C., Zhang, X.P., Hou, C.R. & Li, X.Y. (2017). Corporate strategic deviance and equity capital costs: A research on the mediating effect based on operational risk and information asymmetry. *Chinese Soft Science*, (09), 99-113.
- Wang, R. (2018). Strategic deviance and accounting conservatism. *American Journal of Industrial and Business Management*, 8(05), 1197.
- Wolfe, J. & Sauaia, A. C. A. (2003). The Tobin q as a company performance indicator. In *Developments in Business Simulation and Experiential Learning: Proceedings of the Annual ABSEL conference* (Vol. 30).

- Wu, P., Gao, L. & Gu, T. (2015). Business strategy, market competition and earnings management: Evidence from China. *Chinese Management Studies*.
- Ye, K. T., Dong, X. Y. & Cui, Y. J. (2015). Corporate Strategic Positioning and the Choice of Accounting Earnings Management Behavior. *Accounting Research*, (10), 23-29.
- Ye, K., Guan, J. X. & Zhang, B. (2021). Strategic Deviation and Stock Return Synchronicity. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 36(1), 172-194.
- Yuan, R., Cheng, Y. & Ye, K. (2016). Auditor industry specialization and discretionary accruals: the role of client strategy. *The International Journal of Accounting*, 51(2), 217-239.
- Zhang, S., Ye, K., Cui, Y. & Zang, W. (2019). Large shareholder incentives and auditor choice. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 38(3), 203-222.

